



# معلمی که از ساعت عبور می‌کند

## توقفی کوتاه در يك کلاس درس چندپایه

در شماره‌های قبل درباره‌ی اینکه معلمان در کلاس‌های چندپایه چگونه تدریس می‌کنند به صورت مختصر صحبت کردیم. این بار در ادامه‌ی همان مبحث سری زدیم به یکی از مدارس چندپایه در منطقه‌ای به نام تبادکان از توابع مشهد در استان خراسان رضوی.

### آشنایی مختصر

مرکب از پایه‌های اول، پنجم و ششم است، مسئولیت مدیریت و تدریس در پایه‌های دوم، سوم و چهارم را هم برعهده بگیرد.

### آنچه دیدم

کلاس آقای برادران یک کلاس ترکیبی واقعی است. برنامه‌ی کلاسی هر پایه به صورت جداگانه روی دیوار نصب شده است، اما آقای برادران می‌داند که این جدایی شاید در کتاب‌ها، یا برای بچه‌ها معنادار باشد. برای معلم چندپایه، یک روز کاری و یک ساعت آموزشی، در مدیریت هم‌زمان همه‌ی دانش‌آموزان و تدریس تو در توی همه‌ی کتاب‌ها مفهوم واقعی خود را نشان می‌دهد.

تا من چشمی بر در و دیوار کلاس بچرخانم و از گل‌ها و گیاهان کنار پنجره و جعبه‌های کوچک ابزار آموزش ریاضی و کمد وسایل علوم تصاویری به حافظه‌ام بفرستم، آقای برادران بدون اتلاف وقت کارش را شروع کرده است.

ابتدا روی تخته سؤالاتی از درس هدیه‌های آسمانی برای دانش‌آموزان کلاس پنجم می‌نویسد تا از کیفیت

سال‌هاست بسیاری از معلمان خراسان رضوی آقای محمد برادران را، با سابقه‌ای بیست ساله در کلاس‌های چندپایه، در کسوت مدرس ضمن خدمت می‌شناسند. برخی هم که کتاب‌های «روش آموزش املا در دبستان» با ۳۰ پیشنهاد خلاقانه، یا «روش تدریس ریاضی اول ابتدایی» وی به دستشان رسیده است، ایشان را به‌عنوان معلمی مؤلف قبول دارند. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان هم با عنوان استاد خطابش می‌کنند. دوستان نزدیکش او را آقای دکتر صدا می‌زنند، چون در رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی دارد تحصیلات تکمیلی‌اش را طی می‌کند، اما هفت هشت سال است که ایشان برای اهالی روستای شهید شعبانی آقای مدیر است و برای نیمی از جمعیت سی نفره‌ی مدرسه‌ی شهید شعبانی آموزگار.

صبح روز چهارشنبه از هفته‌ی سوم مهر ماه بالبخند آغاز می‌شود. این در شرایطی است که تنها همکار آقای برادران، برای خدمت به محل دیگری اعزام شده و تا آمدن آموزگار جدید، مدیر آموزگار مدرسه باید، علاوه بر کلاس خودش که

آموخته‌های قبلی آن‌ها مطمئن شود. البته آن‌ها هنوز برگه‌هایشان را هم آماده نکرده‌اند. در این فاصله، کلاس اولی‌ها کتاب فارسی‌شان را در می‌آورند، دفتر و جامدادی‌هایشان را روی میز می‌چینند و مدادهایشان را می‌تراشند. آقای برادران به سرعت کتابی را از روی میز یکی از بچه‌ها برمی‌دارد، صفحاتی را نشان می‌دهد و می‌خواهد تا وقتی که به سراغشان می‌آید، صامت‌خوانی کنند. دانش‌آموز ششمی هم دارد کتاب ریاضی‌اش را ورق می‌زند که آقای برادران به صفحه‌ای اشاره می‌کند تا تمرین مربوط به آن را حل کند. سرم را که برمی‌گردانم، او به کلاس دیگر رفته است و دارد روی تخته، جدول T مانند‌ی را برای فعالیت آموزش املا رسم می‌کند. در یک سمت آن می‌نویسد نشانه‌ی اول و در سمت دیگر نشانه‌ی

او به سراغ کلاس اولی‌ها می‌رود که به اندازه‌ی کافی به تصاویر کتاب نگاه کرده‌اند و صامت‌خوانی‌شان تمام شده است. حالا نوبت این است که دستشان را زیر کلمات نوشته‌شده‌ی تصاویر کوچک کتاب در صفحه‌ی ۱۶ فارسی بگذارند و با صدای بلند، کلمه‌ی مربوطه را بگویند. آن‌ها پاسخ می‌دهند و آقای برادران درستی خواندن آن‌ها را تأیید یا اشتباهاتشان را تصحیح می‌کند



در صفحه را برای هم تعریف کنند. دوباره به سمت دانش‌آموز ششمی برمی‌گردد تا موضوع بخش‌پذیری بر عدد ۹ را به او تدریس کند. این تدریس تک نفره، با توجه به آمادگی و همراهی خوبی که دانش‌آموز از خودش نشان می‌دهد، کمتر از ده دقیقه طول می‌کشد. حالا اولی‌ها داستانشان را برای آقای برادران هم تعریف می‌کنند. بعد از کمی گفت‌وگو، آن‌ها با خوش‌حالی کتاب‌هایشان را می‌بندند و وسایلشان را از روی میز جمع می‌کنند تا برای زنگ تفریح به حیاط بروند.

آقای برادران به کلاس مجاور سرکشی می‌کند تا از وضعیت فعالیت آن‌ها مطلع شود. ستون‌های خالی حالا تا حدودی پر شده‌اند و دانش‌آموزان، برخی به حالت ایستاده و برخی نشسته، به دقت دارند

چند پرسش و پاسخ دیگر، از صحیح بودن روند حل مسئله خاطر جمع می‌شود. تا دانش‌آموز مسئله‌ی بعدی را حل کند، او به سراغ کلاس اولی‌ها می‌رود که به اندازه‌ی کافی به تصاویر کتاب نگاه کرده‌اند و صامت‌خوانی‌شان تمام شده است. حالا نوبت این است که دستشان را زیر کلمات نوشته‌شده‌ی تصاویر کوچک کتاب در صفحه‌ی ۱۶ فارسی بگذارند و با صدای بلند، کلمه‌ی مربوطه را بگویند. آن‌ها پاسخ می‌دهند و آقای برادران درستی خواندن آن‌ها را تأیید یا اشتباهاتشان را تصحیح می‌کند. این کار حدود ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. دانش‌آموزان پنجمی چنان غرق پاسخ‌گویی به آزمونهاستند که گویی صدایی را نمی‌شنوند. آقای برادران از پایه اولی‌ها می‌خواهد حالا به صفحه‌ی ۱۷ بروند و داستان چهار تصویر مندرج

آخر. همان طور که می‌نویسد، برای بچه‌ها توضیح می‌دهد: ببینید بچه‌ها، در ستون نشانه‌ی اول، توی درس فارسی امروزتان کلماتی را ببابید که نشانه‌ی اول آن‌ها شبیه هم است، مانند سلام و سفید. در ستون نشانه‌ی آخر هم آن کلمه‌هایی را از درس بنویسید که نشانه‌ی آخر آن‌ها شبیه هم است، مانند احوال‌پرسی و خیلی از دانش‌آموزان چهارمی هم می‌خواهد به پایه‌های سوم و دوم کمک کنند تا اگر اشکالی دارند برطرف شود.

یادم رفت به ساعت نگاه کنم. اما به نظر رسید که در کمتر از ده دقیقه همه‌ی بچه‌ها درگیر فعالیت‌های درسی‌شان شدند. آقای برادران به دانش‌آموز ششمی نزدیک می‌شود و از او می‌پرسد که در حل مسئله به کجا رسیده است؟ دانش‌آموز پاسخ می‌دهد و آقای برادران با





سه قسمت تقسیم شود: اول مقدمه‌چینی برای درس جدید، که نامش را فعالیت‌های زمینه‌ساز آموزش می‌گذارد. این را که می‌گوید، یاد بخشی به نام فعالیت در کتاب‌های ریاضی می‌افتم که دقیقاً با هدف آماده‌سازی دانش‌آموز برای ورود به یادگیری جدید طراحی شده است. بخش دوم آموزش درس جدید است و قسمت سوم بخشی است که وی با عنوان فعالیت‌های بسطی- امتدادی از آن یاد می‌کند و شامل ارزشیابی از درس و تکالیف گوناگون می‌شود. به نظر آقای برادران، هنر معلم چندپایه توزیع این سه بخش در برنامه‌ی هفتگی است، به نحوی که ضمن ایجاد پیوستگی در یادگیری، بتوان به صورت هم‌زمان چندپایه را در یک ساعت آموزشی مدیریت کرد. او مثال می‌زند که من روز شنبه مواردی از هدیه را برای دانش‌آموزان پنجم تدریس کردم و امروز که چهارشنبه است، برای سنجش یادگیری بچه‌ها، این آزمون مدادکاغذی را ساختم. بچه‌های کلاس اولی هم امروز درگیر فعالیت بسطی امتدادی بودند و چیزهایی را که در جلسه‌ی قبل به آن‌ها تدریس شده بود، به تنهایی و با کمک هم‌سالان خود مرور می‌کردند. امروز من به دانش‌آموز کلاس ششمی درس جدید از ریاضی را با کمک خودش تدریس کردم.

### و یک خداحافظی بی‌سر و صدا

می‌توانستم با آقای برادران در مدرسه‌اش گفت‌وگوی مفصل‌تری داشته باشم، اما ترجیح دادم بیشتر از آنکه بخواهم بشنوم تا بنویسم، آنچه را که دیده‌ام بازتاب بدهم. شاید به این ترتیب در نظام مدرسه‌ای که واقعاً ارزش هر ثانیه‌اش طلاست و آموزگارش در ساعات تفریح با بررسی تعدادی از تکالیف جامانده از کلاس تفریح می‌کند، اختلالی ایجاد نکرده باشم! ■

انجام شده‌اند و حالا همه می‌توانند برای استراحتی کوتاه کلاس را ترک کنند.

### آنچه شنیدم

در فاصله‌ای که برای گفت‌وگو ایجاد می‌شود، اولین پرسشی که به ذهنم می‌رسد، دغدغه‌ی دوست چندپایه‌ی تازه‌کارم است که می‌گفت هنگام تدریس در کلاس چندپایه، نمی‌دانم اول از کجا شروع کنم. همه‌ی دانش‌آموزان توقع دارند اول به آن‌ها تدریس و رسیدگی بشود. وقتی این را مطرح می‌کنم، آقای برادران پاسخ جالبی می‌دهد: معلم چندپایه باید قبل از هر چیز به محتوای کتاب‌های درسی پایه‌هایی که دارد آشنا و تا حدودی مسلط باشد. او باید علاوه بر اینکه مدرس خوبی هست، طراح آموزشی توانمندی هم باشد. یعنی فرایند تدریسش را طوری طراحی کند که به صورت هم‌زمان بتواند به ابعاد مهم محتوا و همه‌ی دانش‌آموزان رسیدگی کند. به نظر آقای برادران یک درس می‌تواند به

در کتاب فارسی خط‌به‌خط و کلمه‌به‌کلمه جست‌وجو می‌کنند. کلاس چهارمی‌ها سریع‌تر کارشان را انجام داده‌اند و نمونه‌های بیشتری یافته‌اند، اما دومی‌ها تعداد کلمات خیلی کمتری نوشته‌اند. آموزگار چند تذکر به انتخاب‌های اشتباه بچه‌ها می‌دهد و بچه‌ها هم می‌خندند و هم قبول می‌کنند. آقای برادران باید دوباره به کلاس خودش برگردد تا پایان زمان آزمون را به کلاس پنجمی‌ها اعلام کند. بچه‌ها برگه‌های جوابشان را پای میز معلم می‌آورند. او هر برگه را بررسی و پاسخ‌های اشتباه را مشخص می‌کند. آن‌ها باید دوباره سرمیزشان برگردند و کتاب هدیه‌شان را برای یافتن جواب‌های درست باز کنند. قبل از آن، آقای برادران به دانش‌آموز ششمی گفته است که به صورت تصادفی چند عدد دو رقمی بنویسد و بخش‌پذیری آن‌ها را بر عدد ۹ بیازماید. حالا دانش‌آموز ششمی تعدادی از تمرین‌هایی را که حل کرده است نشان می‌دهد تا آموزگار درستی آن‌ها را بررسی کند. ده دقیقه‌ی بعد همه‌ی این کارها